

به نام خدا

ارزیابی روابط ایران و افغانستان با تأکید بر مراودات اقتصادی برای شروع بحث در

خصوص استفاده از نیروی کار ساده افغان و ساماندهی وضعیت مهاجرین

۱. مقدمه

در حال حاضر، استفاده از ظرفیت کشورهای همسایه می‌تواند یکی از مسائل با اهمیت در دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در شرایط فشار تحریم باشد. در میان کشورهای همسایه، افغانستان علاوه بر ویژگی هم‌مرز بودن، به دلیل اشتراکات فرهنگی و زبانی و نیز دارا بودن وضعیت اقتصادی خاص خود از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای در دیپلماسی اقتصادی کشور برخوردار است. اکنون ایران بزرگ‌ترین شریک تجاری افغانستان بحساب می‌آید و این کشور علاقه‌مند به افزایش حجم تجارت خود با ایران و هند از طریق بندر چابهار می‌باشد؛ اما قدرت‌گیری طالبان، چشم‌انداز روابط اقتصادی افغانستان با ایران را تا حدودی پیچیده کرده است. با این حال ظرفیت‌های زیادی در مناسبات ایران با افغانستان وجود دارد که می‌توان با بهره‌برداری از آن، بخش قابل توجهی از فشارهای ناشی از تحریم‌ها را به حداقل رساند. شایان ذکر است گسترش تعاملات و همکاری‌های اقتصادی بین دو کشور از یک سو دارای منافع اقتصادی خواهد بود و از سوی دیگر، موجب افزایش همگرایی در سایر حوزه‌ها به خصوص حوزه‌های امنیتی می‌شود.

۲. نمای کلی وضعیت اقتصادی افغانستان

اقتصاد افغانستان در مجموع از سال ۲۰۰۱ میلادی روند رو به رشدی را آغاز کرده است؛ به طوری که تولید ناخالص داخلی آن از حدود ۴ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۲ تا ۲۰,۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۳ صعود کرده و پس از آن هم بین ۱۹ تا ۲۰ میلیارد دلار نوسان داشته است. درآمد دولت این کشور نیز از سال ۲۰۱۴ به این سو به طور مداوم افزایش یافته ولی چالش‌های آن در بهبود فضای کسب‌وکار و اصلاح نظام مالیه عمومی با توجه به فساد موجود در ساختار اقتصادی این کشور، همچنان به قوت خود باقی است. البته طی ۲۰ سال گذشته اقدام‌های توسعه‌ای قابل توجهی در افزایش دسترسی به آب سالم، خدمات بهداشتی، برق و آموزش

و خدمات بهداشتی انجام شده ولی نابرابری موجود در توزیع این خدمات در سطح ملی، احساس عمومی متفاوتی را نسبت به افزایش دسترسی به خدمات عمومی و بهبود زیرساخت‌ها ایجاد کرده است.

در سال ۲۰۲۰، اقتصاد کشور افغانستان به دلیل تأثیرات منفی بر مصرف و صادرات به سختی تحت تأثیر شیوع ویروس کرونا قرار گرفت به طوری که بنا بر ارزیابی صندوق بین‌المللی پول، نرخ رشد اقتصادی افغانستان در این سال به پایین‌ترین میزان در ۱۷ سال گذشته رسید. شایان ذکر است در حالی که متوسط رشد اقتصادی افغانستان در فاصله سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۲۰ بیش از ۶٫۱ درصد بوده، این نرخ برای همسایه غربی این کشور یعنی ایران، ۱٫۶ درصد قید شده است. در همین مدت متوسط نرخ رشد اقتصادی جهان نیز ۳٫۵ درصد ثبت گردیده است. متوسط نرخ تورم افغانستان نیز در فاصله سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۲۰ کمی افزون بر ۸ درصد بوده است؛ در حالی که طی همین مدت، اقتصاد ایران به طور متوسط تورم ۲۰ درصدی را تجربه کرده است. بنابراین، اقتصاد هر دو کشور نرخ تورمی بالاتر از متوسط جهانی یعنی ۳٫۷ درصد را تجربه کرده‌اند.

در مجموع، افغانستان همچنان ناامنی و عدم اطمینان سیاسی را تجربه می‌کند. در سال ۲۰۱۹ برای ششمین سال پیاپی، تلفات غیرنظامیان در افغانستان از ۱۰ هزار نفر فراتر رفت. بحران آوارگی نیز همچنان ادامه دارد. تعداد آوارگان داخلی ناشی از درگیری‌های خشونت‌بار میان طالبان و نیروهای دولتی از ۳۶۹ هزار و ۷۰۰ نفر در سال ۲۰۱۸ به ۴۶۲ هزار و ۸۰۳ نفر در سال ۲۰۱۹ رسید. البته ذکر این نکته ضروری است که مطابق اعلام بانک جهانی، بعد از کاهش ارزش ریال ایران در مقابل دلار آمریکا با بازگشت و تشدید تحریم‌ها، تنها در سال ۲۰۱۹ نزدیک به ۵۰۵ هزار مهاجر از ایران به افغانستان بازگشته‌اند.

۳. اهمیت روابط اقتصادی افغانستان و ایران برای دو طرف

کشور افغانستان با حدود ۶۵۰ هزار کیلومتر مربع وسعت، تقریباً ۳۰ میلیون نفر جمعیت و بیش از ۹۳۰ کیلومتر مرز مشترک با ایران، جایگاه و اهمیت ویژه‌ای به لحاظ ژئواکونومی و ژئواستراتژیکی در بین همسایگان کشور دارد. مطابق آمار مرکز تجارت جهانی، ایران نخستین مبدأ واردات افغانستان در چند سال گذشته بوده است. اهمیت این مسئله زمانی روشن‌تر می‌شود که افغانستان از سمت شرق با کشور چین هم مرز است. افغانستان بیش از ۹۰ درصد نیازهایش را از خارج و به خصوص از همسایگانش تأمین می‌کند. ایران یکی از بزرگترین شرکای تجاری افغانستان و یکی از صادرکنندگان مهم برق به افغانستان محسوب می‌شود به گونه‌ای که بخش زیادی از استان‌های غربی این کشور کاملاً وابسته به برق ایران هستند.

افغانستان دروازه ورود ایران به آسیای مرکزی محسوب می‌شود. این کشور از سمت شرق با تاجیکستان و منطقه کشمیر هم مرز است که مردم آن قرابت فرهنگی و دینی زیادی با ایران دارند؛ این مسئله می‌تواند از نظر صادرات اهمیت بالایی داشته باشد. همچنین روابط راهبردی با افغانستان می‌تواند مرزهای ایران را عملاً تا چین برساند. کوتاهی ایران در ایجاد ارتباط مستحکم با افغانستان، پای رقبای ایران را به این کشور باز خواهد کرد و دست ایران از سرمایه‌های انسانی و طبیعی این کشور کوتاه خواهد شد. افغانستان می‌تواند در آینده نزدیک وضعیت اقتصادی آسیای مرکزی و جنوبی را تغییر دهد. منابع این کشور برای احیای دوباره وضعیت اقتصادی، حمل‌ونقل و انرژی منطقه مهم است. نقشه حمل‌ونقل آسیای مرکزی در صورت ثبات سیاسی در افغانستان بصورت بنیادی تغییر می‌کند و این موضوع به ساخت جاده‌ها و راه‌آهن وابسته است که آسیای مرکزی را به آسیای جنوبی متصل می‌کند و بر اساس آن ارتباط بین چین با تاجیکستان، افغانستان و ایران برقرار خواهد شد که تکمیل آن نقشی کلیدی در حمل‌ونقل منطقه‌ای و تقویت روابط خواهد داشت.

افغانستان به‌عنوان یک کشور محصور در خشکی که دسترسی به دریای آزاد برای انتقال کالا و انرژی ندارد، شناخته می‌شود. در مقابل ایران به واسطه دسترسی به آب‌های آزاد و داشتن پتانسیل‌های فنی و موقعیت‌های ممتاز ژئوپلیتیکی می‌تواند این نیاز افغانستان را با داشتن زیرساخت‌ها و راه‌های مناسبی که دارد، جبران نماید به گونه‌ای که این دو کشور مکمل ژئوپلیتیکی یکدیگر باشند. بدین منظور ایران در تلاش است تا با ایجاد زیرساخت‌های ارتباطی مناسب در شرق کشور، تکمیل راه‌آهن در حال احداث و تجهیز بندر چابهار به دلیل موقعیت راهبردی که نزدیکترین راه دسترسی کشورهای محصور در خشکی منطقه آسیای مرکزی (ترکمنستان، ازبکستان، تاجیکستان، قرقیزستان و قزاقستان) و نیز کشور افغانستان به آب‌های آزاد است، روابط اقتصادی خود را با افغانستان و به تبع آن آسیای مرکزی، تقویت نماید.

۴. روابط اقتصادی ایران و افغانستان در دهه اخیر

در سال‌های اخیر محصولاتی نظیر صنایع غذایی، ماشین‌آلات و مصالح ساختمانی، خدمات فنی، مهندسی و مخابراتی، حمل‌ونقل، لوازم خانگی، دکوراسیون، مبلمان و مصنوعات چوبی، مصنوعات پلاستیکی، موکت و کف‌پوش، تجهیزات پزشکی و آزمایشگاهی، الیاف و منسوجات، پوشاک، پوست و چرم، محصولات آرایشی و بهداشتی، تابلوفرش و صنایع دستی، فرش دستباف و ماشینی، زیورآلات و نقره و ... از جمله ظرفیت‌های اصناف کشور برای حضور در بازار افغانستان بوده‌اند. اما استفاده صحیح از این ظرفیت‌ها منوط به گسترش

روابط بانکی با افغانستان است. در حال حاضر اعمال تحریم‌های بین‌المللی در کنار اتخاذ محدودیت‌های بانکی برای پناهنده‌ها و مهاجران افغانستانی در ایران (حتی برای اتباع قانونی)، هم مایه دردسر و ناخرسندی افغانی‌ها شده و هم به اقتصاد و نظام بانکداری کشور آسیب زده است.

مشکلات روابط بانکی دو کشور در خصوص مراودات کالاهای فرهنگی نیز اثر مخمل خود را دارد. کالاهای فرهنگی ایرانی مانند کتاب به شدت توسط شهروندان افغانستانی دنبال شده و خواستار دارد.^۱ فیلم و سریال‌های ایرانی، آلبوم‌های موسیقی و نرم‌افزارهای اندرویدی نیز دیگر جنبه‌های این بازار هستند. برای نمونه، کافه بازار به عنوان بزرگ‌ترین عرضه‌کننده نرم‌افزارهای گوشی‌های همراه توسط بسیاری از جوانان افغانستانی مورد استفاده قرار می‌گیرد. ولی کماکان برنامه‌های فروشی کافه بازار، نمی‌تواند برای افغانی‌ها که امکان پرداخت آنلاین ندارند، مورد استفاده قرار بگیرد و این امر گسترش و تنوع فروش محصولات ایرانی را در فضای تقاضای فزاینده افغانستان با چالشی اساسی مواجه ساخته است.

علاوه بر مشکلات روابط بانکی، وجود برخی اختلاف نظرهای سیاسی-امنیتی بین مقامات دو کشور، وجود تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران و همچنین واگرایی سیاسی ناشی از تنش‌ها و اختلافات آبی، از جمله عوامل مهم عدم رشد مبادلات اقتصادی بین ایران و افغانستان در سال‌های اخیر بوده است. در این میان، اختلافات جدی طرفین بر سر موضوعات آبی، سهم بیشتری در کدورت سیاسی و دوری دو کشور از یکدیگر ایفا نموده است. با این حال، همکاری‌های اقتصادی کماکان برای هر دو طرف اهمیت ویژه‌ای دارد و راهکارهایی از قبیل برگزاری نمایشگاه‌های بزرگ در دو کشور می‌تواند فضایی راهگشا برای گسترش روابط تجاری دو کشور در آینده باشد.

در صدر لیست صادرات ایران به افغانستان، انواع محصولات فولادی، میلگرد، سیمان، شیرینی و شکلات و صنایع غذایی قرار دارند. واردات ایران از افغانستان اندک است زیرا صادرات مواد خام از این کشور ممنوع است و در زمینه صنایع نیز تولیدات مورد نیاز ایران را ندارد؛ عمده صادرات افغانستان محصولات پایه کشاورزی است که تولید این کالاها در داخل ایران ارزان‌تر تهیه می‌شود به این همین دلیل واردات از این کشور اندک است. بنا بر آمار مندرج در جدول شماره (۱)، روابط تجاری دو کشور در دهه اخیر بسیار نامتوازن بوده است؛ میانگین صادرات ایران به افغانستان طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۹ حدود ۲۵۳۶ میلیون دلار بوده

^۱ شایان ذکر است بیشتر کتاب‌های موجود در افغانستان، در ایران به چاپ رسیده‌اند.

درحالی که در بازه زمانی مذکور، صادرات افغانستان به ایران حدود ۱۶ میلیون دلار ذکر شده است. از این رو ایران در مراوده تجاری با افغانستان همواره از تراز تجاری مثبت برخوردار بوده است.

جدول ۱. مبادلات تجاری ایران با افغانستان در دهه اخیر

سال	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۹
صادرات	۲۱۷۸	۲۸۷۳	۲۴۱۶	۲۴۹۰	۲۵۷۲	۲۴۵۶	۲۷۷۰	۲۹۳۸	۲۳۶۱	۲۳۰۵
واردات	۱۰	۲,۴	۳۲	۱۳	۱۴	۲۲	۲۰	۲۱	۱۹	۴
تراز تجاری	۲۱۶۸	۲۸۷۰,۶	۲۳۸۴	۲۴۷۷	۲۵۵۸	۲۴۳۴	۲۷۵۰	۲۹۱۷	۲۳۴۲	۲۳۰۱

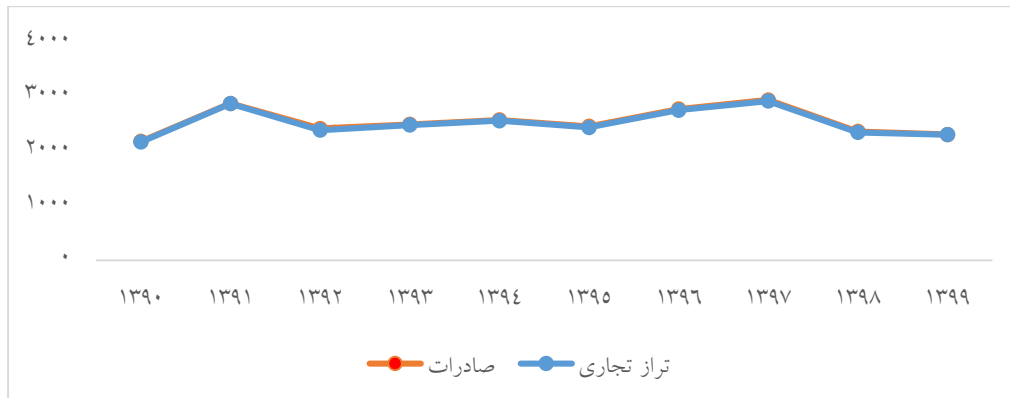
منبع: سازمان توسعه تجارت ایران، ۱۴۰۰

* به منظور تسهیل خوانش اعداد، تمام آمار مربوط به صادرات، واردات و تراز تجاری به صورت میلیون دلار قید شده است.

بنا بر گزارش وزارت صنعت و تجارت افغانستان از وضعیت تجاری این کشور طی سال مالی ۱۳۹۹، صادرات و واردات این کشور تحت تأثیر ویروس کرونا، در مقایسه با سال ۱۳۹۸، به ترتیب حدود ۱۰ و ۴ درصد کاهش داشته است. در این سال، عمده صادرات افغانستان به کشورهای هندوستان، پاکستان و چین بوده است و جمهوری اسلامی ایران کمتر از یک درصد از کل صادرات افغانستان را دریافت کرده است. این امر در حالی است ایران در صدر فهرست صادرکنندگان به افغانستان قرار دارد و عمده واردات افغانستان از کشورهای ایران، چین و پاکستان بوده است. کنجد، تخم تربوز، کشمش، تخم سبزیجات و سایر تخمیانیه باب به ترتیب ۵ قلم عمده در صادرات افغانستان به ایران و روغن صنعتی رفرنس، الپی جی، میلگرد آجدار، هیدروکربن سبک حاصل از بلندینگ کد دانسیته با تقطیر کامل تا ۳۹۰ درجه، روغن سفید (وایت اویل)، تیرآهن و رب گوجه فرنگی اقلام عمده واردات این کشور از ایران را شکل می دهد.

نمودار (۱) بیان کننده همپوشانی روند صادرات و تراز تجاری ایران در ارتباط بازرگانی با افغانستان است به عبارت دیگر واردات ایران از افغانستان تأثیر چندانی در روند تجاری کشور نداشته است. علاوه بر این، رصد روند صادرات و تراز تجاری بین دو کشور در دهه اخیر نشان می دهد که شدت گرفتن اعمال تحریم های بین المللی علیه ایران در سال های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۷ سبب افت چشمگیر صادرات ایران به افغانستان شده است. در حالی که تصویب برجام و رفع محدودیت های مالی و اقتصادی کشور در اواسط دهه ۹۰ شمسی، باعث رشد صادرات ایران به این کشور همسایه گردیده است.

نمودار ۱. مبادلات تجاری ایران با افغانستان در دهه اخیر



منبع: سازمان توسعه تجارت ایران، (۱۴۰۰)

طی سالیان اخیر، رئیس جمهور افغانستان^۱ وعده داد سرمایه‌گذاری ایران در بخش مواد معدنی افغانستان را تسهیل کند؛ جایی که ایران می‌تواند از مزیت خود در قابلیت‌های فناوری که افغانستان فاقد آن است، بهره بگیرد و شرکت‌های بخش خصوصی ایران به خوبی آمادگی رقابت در مناقصه‌های استخراج آن را دارند و از حمایت کافی دولت ایران برخوردار هستند. برنامه‌ریزی برای ساخت بندر چابهار نیز با حمایت هند، در قالب توافقنامه چابهار^۲، نقطه عطف مهمی در روابط اقتصادی سه کشور است. افغانستان، ایران و هند همچنین منافع مشترکی در توسعه راه‌آهن برای حمل‌ونقل مواد معدنی از ولایت بامیان به بندر چابهار و به هند و سایر بنادر دارند. لیکن این قابلیت‌های تجاری نوپا باید با در نظر گرفتن تعادل مورد نیاز بین منافع اقتصادی و امنیت هر دو کشور ایران و افغانستان در هنگام تعامل با پاکستان و هند توأم باشد. در این راستا، تکمیل راه‌آهن موصلاتی هرات به خواف در دست اقدام است. ایران برنامه‌ریزی زیادی برای توسعه خط ساحلی جنوب شرقی خود به منظور بهبود دسترسی به اقیانوس هند به واسطه پروژه‌ای به نام مکران از طریق ششمین برنامه توسعه پنج ساله انجام داده است. سرمایه‌گذاری‌های ایران در این خط ساحلی، فرصتی برای توسعه اقتصادی افغانستان فراهم می‌کند و توانسته توجه هند و حتی چین را جلب نماید.

^۱ اشرف غنی در جریان سفر سال ۲۰۱۶ خود به تهران

^۲ دهلی‌نو و تهران در آوریل ۲۰۱۵ میلادی یادداشت تفاهمی امضا کردند و هند متعهد شد که ۸۵ میلیون دلار برای ساخت پایانه‌های کانتینری و چندمنظوره در چابهار سرمایه‌گذاری کند. هند، ایران و افغانستان در مه ۲۰۱۶ میلادی، توافقنامه سه‌جانبه مشهور به توافقنامه چابهار را نهایی کردند.

۵. اهم موانع توسعه روابط ایران و افغانستان و بهره‌گیری از ظرفیت‌های یکدیگر

(۱) تهدید پدیده قاچاق برای جمهوری اسلامی ایران

همسایگی ایران با افغانستان بعنوان بزرگترین تولیدکننده تریاک در جهان و قرارگرفتن در مسیر بازار مصرف این مواد (اروپا و آمریکای شمالی)، عامل مهمی در تضعیف امنیت مرزهای کشور به طور عام و امنیت مرزهای شرقی به طور خاص می‌باشد^۱ و همواره در شمار موارد اصلی تنش بین دو کشور است.

(۲) حضور رقبای ایران در افغانستان

علائق و خواسته‌های ایران در حوزه شرقی مبتنی بر ملاحظات امنیتی و برقراری ثبات و در مرحله بعد بسط و توسعه همکاری‌های اقتصادی است. اما بررسی عملکردهای آمریکا و متحدین منطقه‌ای آن در افغانستان نشان می‌دهد که راهبرد «مهار و محاصره ایران» از سوی آنها پیگیری می‌شود.

(۳) هیدروپلیتیک^۲

در فضای سرزمینی مابین ایران و افغانستان رودخانه هیرمند جریان دارد که اختلاف بر سر استفاده از آب آن در دهه‌های گذشته، سبب بروز چالش‌هایی در روابط این دو کشور گردیده و با کاهش بارندگی‌ها در منطقه، بر شدت اختلافات افزوده شده است^۳.

(۴) آوارگان افغانی

هجوم بی‌ضابطه آوارگان افغانی جدای از آن که ثبات داخلی کشور را تهدید می‌کند، موجی از تنش‌های داخلی را به وجود می‌آورد. روی آوردن برخی از این مهاجرین به قاچاق مواد مخدر، سرقت و آدم‌ربایی و زاغه‌نشینی در اطراف شهرها و تکدی‌گری از دیگر معضلات این امر است.

^۱ انتقال مواد مخدر تولیدی در افغانستان به بازارهای اروپا از مسیر سرزمینی ایران دربردارنده چند امتیاز برای افغانی‌ها است؛ این معبر نسبت به معبرهای کشورهای شمالی و جنوبی تک‌جداره است. در واقع انتقال مواد از طریق آسیای مرکزی به اروپا، نیازمند عبور این مواد از فضاهای سرزمین چند کشور است در حالی که معبر ایران بدون واسطه دیگری به ترکیه و اروپا منتهی می‌شود. کوتاهی مسیر و فضاهای تقریباً خالی شرق فلات (کویر پهناور لوت و کویر نمک) عامل مهمی در انتقال مواد مخدر از افغانستان به ایران و انتقال به اروپا است.

^۲ دانشی است که به مطالعه نقش آب در سیاست‌گذاری و روابط بین کشورها می‌پردازد. از آنجایی که جهان به سمت کم‌آبی پیش می‌رود، این عامل در کنار افزایش جمعیت، آب را به یک منبع استراتژیک تبدیل کرده که کمبود آن به عامل تعارضات سیاسی در بسیاری از نقاط جهان منجر شده است.

^۳ استفاده بیشتر افغانستان از منابع آب رود هیرمند و وابستگی زیاد ولایت‌های جنوبی و جنوب‌غربی افغانستان به آب هیرمند، به همراه نقش رود هیرمند در بهبود شرایط اقتصادی افغانستان و کاهش فقر از طریق توسعه کشاورزی، سبب شده رودخانه هیرمند و مسائل مرتبط با آن در افغانستان جنبه ملی پیدا کند و از پشتوانه مردمی بیشتری برخوردار باشد در حالی که سیستان کوچک از سرزمین پهناور ایران را شامل می‌شود و موضوع آب هیرمند و جریان آن به سوی سیستان جنبه محلی یافته که موجب انعطاف دولت ایران در برابر افغانستان در این مورد طی سالیان گذشته شده است.

۵) افراط‌گرایی دینی در افغانستان

از آنجا که دو عامل قومیت‌گرایی و فرقه‌گرایی باعث تضعیف حاکمیت سیاسی و تمامیت ارضی ایران می‌شوند، قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به دنبال تنش‌سازی فرقه‌ای و بهره‌برداری ایزاری از سازمان‌های تروریستی منطقه‌ای بر علیه جمهوری اسلامی ایران هستند. پیوندهای قومی و قبیله‌ای پشتون‌ها در افغانستان و بلوچ‌ها در ایران و پیروی برخی از گروه‌های افراطی آنها از سلفی‌گری مورد حمایت طالبان و القاعده در این منطقه، می‌تواند تهدیدهایی جدی علیه امنیت ملی ایران پدید آورد.

۶) حضور کمرنگ رایزن‌ها و بخش خصوصی در دیپلماسی اقتصادی کشور

عموماً در هیأت‌های اعزامی کشور به افغانستان، رایزن‌ها و فعالان بخش خصوصی نقش شایان ذکری ندارند که این امر سبب ناآشنایی فعالان اقتصادی دو کشور از یکدیگر و در نتیجه اختلال در توسعه مرادوات بازرگانی شده است. در مقوله بازاریابی و برپایی نمایشگاه‌های اختصاصی جمهوری اسلامی ایران در افغانستان و نیز حضور فعال در نمایشگاه‌های بین‌المللی دایر در این کشور، نهاد دیپلماسی کشور حمایت کافی را از بخش خصوصی بعمل نیاورده است. در ضمن کشور در تبلیغات، بازاریابی کلان و ترویج برندسازی و شناساندن برندهای داخلی به مردم افغانستان، به منظور توسعه کالاها و خدمات صادراتی در سه سطح محصول، بنگاه و ملی اقدامات لازم را انجام نداده است.

۶. جمع‌بندی و ارائه پیشنهاد

در یک نگاه کلی می‌توان چنین ارزیابی کرد که ایران و افغانستان دارای مزیت‌های نسبی بالقوه سرزمینی و انسانی به منظور افزایش همکاری‌های گوناگون هستند. اما عدم مدیریت درست این مزیت‌ها و همچنین حضور قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در افغانستان به دلیل اهمیت ژئوپلیتیکی این کشور و در نتیجه بروز تهدیداتی مانند: تروریسم و افراط‌گرایی دینی، قاچاق، اختلافات هیدروپلیتیکی، آوارگان افغانی و غیره، مانع از ایجاد یک رابطه پایدار، پویا و مبتنی بر حسن همجواری بر محور واقعیت‌های ژئوپلیتیکی شده است.

از این رو دولت‌های دو کشور نیاز به یک دیپلماسی پویا در حیطه‌های گوناگون (اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و امنیتی) دارند و هر دو باید این واقعیت را درک کنند که امنیت و توسعه کشورهای همسایه یکی از تضمین‌های اصلی توسعه و امنیت در فضای ملی خودشان است. تأکید بر مناطق راهبردی ایران برای برون‌رفت افغانستان از قفل‌شدگی سرزمینی و نیز استفاده از فضای افغانستان برای تجارت ایران با آسیای

مرکزی، شرق آسیا و چین از طریق در پیش گرفتن یک دیپلماسی واقع‌گرایانه و هوشمند، شرط بهره‌مندی دو کشور از تمامی مزیت‌های ژئوپلیتیکی است.

بازگشت و تشدید تحریم‌های ایالات متحده علیه ایران پس از خروج از برجام، بر نقش‌آفرینی همسایگان به ویژه افغانستان در تعدیل شرایط سخت تحریم برای کشور افزوده است. هم‌مرز بودن افغانستان با ایران و وضعیت نامناسب اقتصادی این کشور باعث شده ظرفیت‌های زیادی در اختیار ایران در شرایط تحریم قرار گیرد. اقتصاد سستی و نقدی افغانستان، کنترل قاچاق ارز را با دشواری مواجه ساخته و این مسئله رصد معاملات ارزی افغانستان با ایران از سوی آمریکا را با دشواری مواجه ساخته است. در نهایت، به منظور کاهش چالش‌های بر سر راه پیوند بیشتر دو کشور و تبدیل آنها به فرصت، موارد ذیل پیشنهاد می‌گردد:

▪ **اتخاذ رویکرد امنیتی مبتنی بر همکاری و مشارکت دو کشور (امنیت مشارکتی):** این راهکار در

جهت حل‌وفصل چالش‌ها و معضلات امنیتی نظیر تروریسم، افراط‌گرایی و قاچاق بسیار کاربردی است. در ضمن عدم دخالت در امور داخلی یکدیگر و پیشگیری از پدید آمدن تنش‌ها و چالش‌ها، محدود ساختن نفوذ و نقش قدرت‌های فرامنطقه‌ای در نظام تصمیم‌گیری، تلاش در جهت اعتمادسازی متقابل و اتخاذ سیاست تنش‌زدایی، افزایش دیدارها و ارتباطات میان نخبگان و فعالان اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و همچنین تأسیس انجمن‌های دوستی میان این دو کشور باید بیش از پیش جدی انگاشته شود.

▪ **استفاده از ظرفیت‌های گوناگون ژئواکونومیکی در استان‌های مرزی:** این مؤلفه به منظور برقراری

ارتباط عمیق‌تر بین مناطق شرقی ایران و مناطق غربی افغانستان، توسعه و پیشرفت استان‌های محروم سیستان و بلوچستان و خراسان جنوبی و ممانعت از تأثیر عدم توسعه‌یافتگی ولایات مرزی افغانستان بر مردم آن مناطق و پیشگیری از گسیل بی‌ضابطه افغان‌ها به ایران، بیش از پیش باید در دستور کار دولت قرار گیرد.

▪ **اعتماد به فعالان بخش خصوصی و معاشرت مستمر با ایشان:** در سفرهای مقامات بلندپایه کشور

به افغانستان، علاوه بر حضور فعالان اقتصادی، تولیدکنندگان و صادرکنندگان در ترکیب هیأت‌های اعزامی، مقوله تجارت در مذاکرات مورد توجه و حمایت جدی دولت‌مردان قرار گیرد و از ظرفیت اتاق‌ها، تشکل‌های صادراتی و شوراهای مشترک بازرگانی استفاده بهینه به عمل آید.

- **تبدیل مرزها به مرزهای نرم و صدور روادید فصلی برای بهره‌گیری هدفمند از نیروی کار افغانی:**
 منظور از مرزهای نرم، مرزهایی است که با غلبه مرادوات تجاری-اقتصادی بر سایر مؤلفه‌ها، نوعی وابستگی متقابل در دو سوی مرزها ایجاد شود. ترویج گمرکات و بازارچه‌های مرزی مانند دوغارون، میلک و ماهیروود و اجازه صدور روادید فصلی برای ورود نیروی کار ساده افغانی به کشور در فصول کاری مختلف، عواملی کارگشا در این زمینه محسوب می‌شود؛ زیرا اقتصاد و رفاه باعث تنفر و بیزاری از جنگ و دوری از بزهکاری و خشونت می‌شود.
- **راهبری نهاد دیپلماسی اقتصادی ایران در افغانستان در پروژه‌های استراتژیک:** باید پروژه‌های کلیدی از قبیل ترانزیت کالا و خدمات به افغانستان در مقابل دریافت آب، صادرات برق ایران به افغانستان بعنوان جایگزین احداث سد و پروژه‌های برق‌آبی، صدور طرح‌ها و فناوری آبیاری مکانیزه به افغانستان و مبادله فرآورده‌های نفتی با آب یا محصولات آب‌بر را طراحی و عملیاتی نمود.
- **مقابله با تولید مواد مخدر در داخل افغانستان از طریق کشت جایگزین:** در این راستا جمهوری اسلامی ایران می‌تواند طرح‌هایی مانند خرید تضمینی محصولات کشاورزی مورد نیاز در ایران مانند گندم و چغندر قند را اجرایی سازد، امری که وابستگی متقابل را در پی فروش محصولات کارخانه‌ای به افغانستان به همراه خواهد داشت اما باید توجه نمود که قوانین گمرکی متناسب و ثبات سیاست‌گذاری در اینگونه طرح‌ها برای طرف مقابل بسیار اهمیت دارد.
- **توجه ویژه به صادرات خدمات با ارزش افزوده بالا مانند فنی و مهندسی و IT:** با توجه به ضعف افغانستان در این مقوله‌ها و نیاز روزافزون این کشور در این حیطه، می‌توان با ارائه مشوق‌های صادراتی مؤثر به صادرکنندگان کالاها و خدمات فنی و مهندسی و IT، به توسعه صادرات در این بخش کمک شایانی نمود. این قبیل صادرات با توجه به ارزآوری، اشتغال‌زایی و ارزش افزوده بالا به عنوان یکی از مؤلفه‌های پیشران کشور در خروج از رکود، دستیابی به رشد اقتصادی پایدار و تحریک بازارهای هدف منطقه، می‌تواند اقتصاد ناپایدار متکی به درآمدهای نفتی را به اقتصاد پایدار رهنمون سازد.